

اقای سیامک دهقان پور عزیز! مجری برنامه‌ی افق در صدای امریکا

با احترام و آرزوی بهترین‌ها

برنامه‌ای که در ۱۷/سپتامبر/ ۲۰۱۲ بمناسبت یادآوری بیستمین سالروز ترور میکونوس پخش گردید و در آن آقایان دکتر بنی‌صدر رئیس جمهور اسبق جمهوری اسلامی ایران، دکتر پرویز دستمالچی نویسنده و شاهد جریان ترور د. صادق شرفکندی و همراهان وی و آقای رحیم رشیدی خبرنگار جوان کرد شرکت داشتند، روشنگرانه و بلحاظ اطلاع‌رسانی کاری موفق و بیطرفانه بود. عکس‌العمل آقای بنی‌صدر با یخش دقایقی از نمایش فیلمی از سخنرانی ایشان در پی داشت

مطلبی که "در پایان برنامه از سوی آقای رحیم رشیدی در رابطه با جنگ جمهوری اسلامی علیه ملت کرد بهنگام تصدی ریاست جمهوری آقای بنی‌صدر (باز نکردن بند پوتین‌ها تا نابود کردن...) بیان گردید و ، بازنگری آن مسئله از اسناد حزب دمکرات کوردستان را نیز ضروری می‌سازد. از این رو توجه شما و همکاران محترمتان را به موضعگیری حزب دمکرات کوردستان که در شماره‌ی (۱۵۰ ژوئن ۱۹۸۹- خرداد ۱۳۶۸) روزنامه کوردستان راجع به فرمان آقای رئیس جمهور وقت درج شده‌است جلب مینمایم. خواهشمند است لطف فرموده اظهار نظر و خوانش واقعیت جنگ علیه مردم کوردستان در پاسخ به آقای رئیس جمهور وقت را از روزنامه‌ی فوق‌الذکر که ضمیمه‌ی این نامه است به آگاهی بینندگان برنامه‌ی موفقتان برسانید.

با احترام

حسن ایوب‌زاده، حقوقدان کرد

25/سپتامبر/ 2012

بقیه از صفحه ۱

سخنی چند در مورد کتاب  
آقای بنی صدر

عقیده خود را آزادانه در مسائل گدشته و حال کشور ایران کند. اما آقای بنی صدر متأسفانه تحلیلهایی دارد که در بسیاری موارد جای بحث و گفتگو و تردید فراوان هستند مانند نوشته‌های قبلی آقای بنی صدر در این کتاب نیز خود را در مرکز حوادث قرار داده است. در نتیجه خواننده چنین استنباط می‌کند که هر آنچه روی می‌دهد، از گروگانگیری در سفارت آمریکا در تهران گرفته تا روی کار آمدن ریگان و تحمیل حجاب و غیره همه بخاطر شخص او یا عقیده شخص او انجام می‌گیرد و خلاصه آنکه آقای بنی صدر محور همه موضوعات بسیاری برای نخستین بار مورد بحث و مداخله قرار گرفته که جلب توجه می‌کند و خواننده را با برخی از جریانات پشت پرده و روابط درونی قدرت حاکم در ایران آشنا

می‌سازد.

در اینجا ما قصد بررسی همه موضوعات کتاب آقای بنی صدر را نداریم و تنها می‌خواهیم به مسائل گوردستان که در کتاب درجند مورد توجه آن اشاره شده بپردازیم و بویژه هدف ما بیشتر تصحیح بعضی حقایق تاریخی است که آقای بنی صدر دانسته یا ندانسته آنها را تحریف کرده است. نخست باید گفت جای تأسف بسیار است که آقای بنی صدر جنگی را که هم اکنون در حال است در گوردستان ادامه دارد نادیده گرفته و توجهی به آن ننموده است. انگار که در گوردستان "حیرت نیست" در حالیکه در صفحه ۲۲ کتاب خود به اهمیت این جنگی اعتراض می‌کند و می‌نویسد: «... ما به لشکر در گوردستان را شنیدیم که پلوه شده بود...». بطور کلی او همان موضعی را دارد که جمهوری اسلامی چندین سال است برگزیده است و آن هم عبارتست از سکوت کامل در مورد جنگ و رویدادهای گوردستان. آقای بنی صدر حتی در این رابطه از نااهالی که از سوی کمیته مرکزی و دبیرکل حزب ما

در باره رویدادهای گوردستان بنامشان نوشته شده سخنی بهمان نمی‌آورد. به عنوان نمونه در نامه سرکشانه‌ای که در تاریخ دهم فروردین ۱۳۵۹ از سوی کمیته مرکزی حزب دمکرات به آقای بنی صدر نوشته شده است چنین می‌خوانیم "آقای رئیس جمهور چند روز پیش، یعنی درست شش روز پس از آغاز دومین بهار آزادی پاسداران انقلاب نطقه به قتل عام مردم بیدفاع روستای فلان پرداخته و خاطره وحشتناک فلان را زنده نمودند. در این جریان بیست نفر بیجرمانه کشته شده و بیش از سی نفر زخمی گردیدند. ... مردم گوردستان ایرانی هستند و می‌خواهند با آنها مانند دیگر خلقهای ایران رفتار شود. اگر شما از این اصل حرکت کنید همه چیز ساده خواهد بود. حزب دمکرات در این راستا آماده همکاری با شماست. ... وقت آن رسیده است که تصمیم بگیرید. با شما سعی بر این دارید که ساله کرد را حکیمانه و از روی حسن نیت حل کنید. یا تسلیم فشار

بقیه:

## نامه به نمایندگان پارلمان اروپا

۱. سائک امیر خسروی، عضو هیئت اجرایی حزب دمکراتیک مردم ایران.
۲. بیژن حکمت، عضو شورای مرکزی جمهوری خواهان ملی ایران.
۳. ناصر رحیم خانی، عضو هیئت سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران.
۴. حسن شریعتداری، عضو شورای مرکزی جمهوری خواهان ملی ایران.
۵. هیئت الله عفتاری، عضو هیئت سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران.
۶. علی محمد فرخنده جهری، عضو هیئت سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران.
۷. عبداللہ قادری، عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات گوردستان ایران و مسئول حزب در اروپا.
۸. عبدالرحمن قاسملو، دبیر کل حزب دمکرات گوردستان ایران.
۹. حسن تراب، عضو شورای مرکزی جمهوری خواهان ملی ایران.

گروههای غیر مسئولی می شوید گسه  
 قید دارند جنگ برادرکشی دیگری را  
 در کوردستان براه بیاندازند. توبه پندی  
 نیست که چنین جنگی نتایج...  
 فاجعه آمیزی برای انقلاب و دستاوردهای  
 آن بیار خواهد آورد. "مناقضات"  
 آقای بنی صدر به دعوت حزب مایاسخ  
 شنی نداد و اقدامی بعمل نیاورد.  
 در نتیجه جنگ مجدداً آغاز شد و  
 حوادث بعدی بر پیش بینی حزب ما  
 صحنه گذشت.

کوردستان ایران دمسال است در  
 آنش جنگ می شود و تعداد افراد  
 سلاح رژیم که در کوردستان کشته  
 شده اند باضافه ساکنان بیدفاع  
 شهرها و روستاهای کوردستان و  
 پیشمرگانی که شهید شده اند از  
 صد هزار نفر تجاوز است و شهرها و  
 روستاهای ایران مردم آواره دریدر  
 همه از نتایج این جنگ است. زندان و  
 شکنجه و اعدام و کشتار دهها هزار نفر  
 از فرزند ان خلق کرد و قتل عام زنان و  
 کودکان در دهها روستای کوردستان و این  
 است آنچه جمهوری اسلامی برای مردم  
 کوردستان به ارمغان آورده است.  
 مردمی که تنها حرضان دفاع از هویت  
 ملی، آزادی و شخصیت انسانی  
 خویش است. اما آقای بنی صدر  
 در سرتاسر کتاب ۲۴۱ صفحه ای خود  
 جایی برای اینکه حتی در یک خطه  
 این همه جنایت را محکوم کند پیدا  
 نکرده است. با اینکه او علاقه  
 فراوانی به مسائل مذهبی نشان می دهد.  
 کوچکترین اشاره ای به افغان جهاد  
 یعنی علیه مردم مسلمان کوردستان  
 در روز ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ ننموده و  
 آن را محکوم نگذاشته است. آیا این

بدان معناست که پس از ده سال  
 آقای بنی صدر اعلان جهاد از سوی  
 آخوندی را که مرجع تقلید است و  
 آن هم علیه خلق مسلمان کرد و  
 اسلامی تلقی می کند و از محکوم کردن  
 آن ابا دارد؟ آیا بهتر نبود آقای  
 بنی صدر اشاره کوچکی به خطبه  
 مشهور خود در دوران ریاست جمهوری  
 و فرماندهی کل قوا می کرد که بجهت  
 نیروهای مسلح دشمنی دراد باشد  
 یونین هایتان را باز تکلیف تا کردها  
 را کاملاً سرکوب نکرده اید؟

آقای بنی صدر در صفحه ۱۲۴  
 اظهار عقیده می کند که ارتش باید  
 مدافع آزادیهای ملی باشد و امنیت  
 داخلی و تضمین آزادیهای مدنی  
 "به خود مردم مربوط است و ما هر  
 آنچه را که در ساختار ارتش اجازه  
 می داد جامعه مدنی را تحت کنترل  
 خود در بیاورد طغی کردیم اما  
 سؤالی که در این رابطه پیش می آید  
 این است: ارتشی که مدافع  
 آزادیهای ملی شده و امنیت داخلی  
 کشور را به مردم سپرده و در کار جامعه  
 نیز دخالت نمی کند، چگونه هم در  
 زمان ریاست جمهوری آقای بنی صدر  
 هم بعد از آن مرتکب این همه جنایت در  
 کوردستان گردیده است؟ دهها هزار نفر  
 از مردم بیدفاع را کشته و مجروح و  
 بی خانمان ساخته و شهرها و  
 روستاهای کوردستان را که بخشی از  
 مهن ما ایران است، ویران نموده  
 است؟ نکند آقای بنی صدر کوردستان  
 ایران را از کشور ایران تلقی می کند و  
 خلق کرد در ایران را ایرانی نمی داند که  
 به ارتش با سلاح مدافع آزادیهای  
 ملی حق جنگ اگردها را می دهد  
 در کتاب آقای بنی صدر اگر در

چند جا اسمی از کوردستان برده شده  
 صریحاً و یا تلویحاً باختمش کوردستان  
 مخالفت شده و حتی فراتر از آن بجهت  
 این جنسیت و احترام تیسز وارد  
 آمده است.

آقای بنی صدر در صفحه ۲۳ راز  
 نقشه ای سخن می گوید که "حاکمی از  
 حطه نظامی عراق با موافقت  
 آمریکاییها به ایران بود" و سپس در  
 صفحه ۲۴ می نویسد: "منظور خشنی  
 کردن ارتش و این نقشه قیامها و  
 جنگی را در کوردستان پیش بینی می نمود.  
 اخیراً حزب فاسطو، حزب دیکرات  
 کوردستان ایران، مدتی منتشر ساخته  
 جینی بر اینکه این سازمان رهبران و  
 کومله کمونیست گراید که سنگر جنگ  
 در کوردستان شد. در حقیقت این  
 جنگ با حطه عراق مرتبط بود."

در صفحه ۲۵ چنین می خوانیم:  
 "نوطکها، قیام کردها، واقتضاشات  
 در شهرها مدنی نبود. این نقشه  
 ضد انقلاب بود. در صفحه ۸۰ از  
 زبان اریک رولو خبرنگار روزنامه  
 چنین می نویسد: "اریک رولو روزنامه نگار  
 فرانسوی که در... فاسطو اطلاق  
 کرده و سپهر به بغداد مسافرت  
 کرده بود، در یک مقاله در روزنامه  
 لوموند اظهار نظر نمود که بغداد  
 کردها را آلت دست قرار داده و خواسته  
 خود مختاری بهانه ای پیش نبود."  
 (تأکید از ما است). در صفحه ۹۴  
 می خوانیم: "هنگامیکه روشن شد که  
 عراق در جنگ پیروز نخواهد شد،  
 مجدداً اقتضاشات در کوردستان و  
 آذربایجان غربی شروع شد."

خلاصه آقای بنی صدر می گویند  
 مبارزه اصلی و طولانی خلق کرد در

کردستان ایران را به بیگانگان نسبت بدهد و مناقشه همان حرفی را می زند که سالیان دراز بر زبان محمدرضا شاه و در اردو ستفایش بود .

و اما واقعات بسیار سرسخت تر از آنند که با چنین ادعاهای بی اساسی بتوان آنها را تغییر داد . برای کمک به حافظه آقای بنی صدر باید گفت که اولاً پس از جنگ سنج در نوروز ۱۳۵۸ که از سوی آخوند صدری برآه انداخته شد و پس از پیاده کردن نوطقه طرح ریزی شده که بر اثر نیراندازی ناخواندانه به مینینگ مسالمت آمیز حزب دمکرات در نطقه در اردیبهشت ماه همان سال به جنگ برادر کشی معروفه انجامید ، آقای خمینی در روز ۲۸ مرداد ماه ۱۳۵۸ علیه خلق کرد اعلان جهاد داد و جنگ سراسری در کردستان آغاز گردید . آقای بنی صدر تسلیم رویدادها را طوری ارائه می کند که گویی اگر جنگ ایران و عراق و جنگ کردستان در یک روز شروع نشده باشند ، تنها چند روز باهم فاصله داشته اند . در صورتی که شروع جنگ در کردستان ایران در مرداد ۱۳۵۸ با حلقه عراق در شهریور ماه ۱۳۵۹ بیش از یکسال فاصله دارد .

آقای بنی صدر تمام این رویدادها را سبوت می گذارد و از جاتی شروع می کند که بتواند وابستگی جنبش کردستان ایران به عراق را به اثبات برساند .

پس از جنگ نصاعه که با پیروزی پیشمرگان کردستان پایان یافت ، و خمینی ناچار به عقب نشینی ششصد جند را کنترل بسیاری از شهرهای

کردستان به دست پیشمرگان افتاد . از آبان ماه سال ۵۸ تا چند روز پس از نوروز سال ۱۳۵۹ ، بعد از شش ماه مذاکرات پراکنده های نخست بین " هیأت نمایندگی خلق کرد " و نمایندگان دولت او سپس بین حزب دمکرات و نمایندگان شخص خمینی و رژیم صورت گرفت . لیکن بزرگی معلوم شد که آخوند ها تنها بنظر کسب وقت مذاکره می کنند . در آن هنگام آقای بنی صدر به ریاست جمهوری انتخاب شده بود و حزب ما با او تماس گرفت . در آخرین دیدار ، آقای بنی صدر به فرستاده حزب دمکرات در تهران گفت طرح شش ماهه ای حزب دمکرات را می پذیرد که مناقشه در کتابش اشاره های باین امر نگردیده است . در نوروز ۱۳۵۹ هم در کامیاران و هم در اطراف ارومیه دیگر جنگ بین قوای دولتی و پیشمرگان شروع شده بود و آنچه آقای بنی صدر در مورد جنگ طلبی کومله در صفحه ۸۰ نوشته مربوط به درگیری شدید ارتش در سنج می شود که پس از درگیریهای کامیاران و ارومیه روی داد و البته این همان جنگی بود که پس از آتش بس ماد آبان آوند ها با همه امکانات آن را تدارک می دیدند . اصل قضیه بدینصورت بود که ارتش قصد داشت از پادگان سنج خارج شود و پیر از عبور از داخل شهر که در کنترل پیشمرگان بود گویا بنظر جلوكوبی از حلقه عراق به گاز ایران و عراق برود . معلوم بود که این عمل ارتش بهانه ای بیش نیست . چرا که این حرکت ارتش شش ماه قبل از شروع جنگ ایران و عراق بود . هدف عده از این اقدام انهدام مقرهای

پیشمرگان در داخل شهر و بدست گرفتن کنترل آن بود ، اختلافی حزب دمکرات با کومله بر سر این بود که حزب ما سعی می کرد از بروز درگیری در داخل شهر سنج جلوگیری بعمل آورد و پیشنهاد می کرد که در صورت لزوم برخورد با ارتش به خارج شهر کشانده شود تا مردم بیدفاع قربانی نشوند و متضرر نگردند . اما کومله سیرانجام در داخل شهر به ارتش حمله کرد و شهر سنج تبدیل به میدان جنگ گردید . این جنگ هزاران کشته و مجروح برجای گذاشت و ویرانی و خسارت فراوانی ببار آورد . در واقع صیبه اصلی جنگ همان گردانندگان جمهوری اسلامی بودند که قیلا آن را تدارک دیده بودند . اما عدم احساس مسؤولیت کومله در قبال مردم شهر موجب شد که درگیری در داخل شهر سنج صورت گیرد .

بنابراین اینکه آقای بنی صدر می گوید هنگامی که روشن شد عراق در جنگ پیروز نخواهد شد محسوس افتشاشات در کردستان آغاز گردید ، تحریف آشکار واقعیت است ، چرا که اولاً " از نوروز سال ۱۳۵۹ تاکنون جنگ در کردستان هیچگاه قطع نشده است تا محسوس از سر گرفته شود . ثانیاً کوچکترین رابطهای بین جنبش کردستان از یک طرف و دولت عراق و نقشه های حمله به ایران از طرف دیگر وجود نداشته است ، تا بتوان ایمن جنبش را وابسته به عراق قلمداد نمود . ثالثاً " حزب دمکرات در نااهای سرکنشده به خمینی و خدیو آقای بنی صدر در رابطه با تدارک جنگ از سوی پادگان و عوامل سنجیه بر صفحه ۱۶

بقیه از صفحه ۱۰

سخنی چند در مورد کتاب آقای

بنی صدر

آخوندها در کردستان چندین بار هشدار داد و چند بار نیز بوسیله نامه خصوصی و از طریق فرستادگان ویژه با آقای بنی صدر ارتباط برقرار کرد که متأسفانه هیچ کدام مثر مثر واقع نشدند.

بدین ترتیب جای تأسف است که آقای بنی صدر بدون توجه به این واقعیت ها جنبش مردمی کردستان را که در همه شرایط اصالت و استقلال خود را حفظ کرده، این چنین تخطئه می کند و مهر وابستگی به بیگانگان را به آن می زند. اگر این جنبش جنبشی اصیل و گسترده و برخوردار از پشتیبانی بی نظیر مردمی نبود، آنگاه چگونه می توانست در انتخابات مجلس در سال ۱۳۵۸ که تحت نظر دولت مرکزی انجام گرفت بیش از ۸۰٪ آراء مردم کردستان را کسب کند و یا دبیرکل آن علی رغم همه موانع نیرنگ های انتخاباتی به عضویت مجلس خبرگان انتخاب شود؟

در اوایل مهرماه ۱۳۵۹ چند روز پس از شروع جنگ ایران و عراق هنگامی که پاسداران قصد انحلال ارتش و مبادرت به جنگ چریکی علیه عراق را دارند. آقای بنی صدر از فرماندهان پاسداران سوال می کند: "اگر ارتش صرف نظر کنیم، آیا شما قادرید به تنهایی جنگ چریکی را ادامه دهید؟ از سوی دیگر آیا این امکان را دارید که به تنهایی در کردستان و آذربایجان ( مقصود آقای بنی صدر مناطق کردنشین آذربایجان غربی است )

مقابله کنید تا ارتش برای مقاومت در برابر تهاجم عراق " آزاد شود؟ آنها به هر دو سوال پاسخ منفی دادند. جنبشی را که پاسداران به اعتداف فرماندهانش قدرت مقابله با آن راندند و وابسته به بیگانه خواندن، اگر مفرضانه نباشد زهی بی انصافی است. و یا شعار خود مختاری را که بیش از چهل سال است مردم کردستان در راه تحقق آن این همه فداکاری نموده و دهها هزار قربانی داده اند " بهانه قلمداد کردن اگر ناشی از سوء نیت نباشد دلیل بر بی اطلاعی محض است.

آقای بنی صدر در صفحه ۲۰۳ می نویسد: " راهحلی که قاسم پیشنهاده کرد به مذاق رجوی خوش آمد. پیشنهاد این بود که با کشورهای بزرگ و دشمنان ایران بمنظور بدست آوردن وسایل سرنوختی خمینی مذاکره شود. " این مساله مربوط به موقعی است که حزب دمکرات در شورای ملی مقاومت عضویت داشت و شورا سعی می کرد به آلترناتیو میل شود. در چنین حالتی بسیار منطقی است کسی که قصد دارد در آینده نخست وزیر ایران بشود با همه کشورهای جهان، بویژه کشورهایی که مسائل ایران بنحوی با آنها ارتباط پیدا می کند تماس بگیرد. جای تعجب است که هنوز هم آقای بنی صدر دشمنان خمینی را با دشمنان ایران اشتباه می کند! در صورتی که بیش از ده سال است حزب دمکرات شخص خمینی را دشمنی درجه یک ایران می داند و در حال حاضر بیش از ۹۰٪ مردم ایران نیز بهمین نتیجه رسیده اند. باید از آقای بنی صدر پرسید کدام دشمن بیش از خمینی و حاکمیت آخوندی به مین ما ایران

ضربه وارد آورده است؟

آقای بنی صدر در صفحه ۲۰۵ چنین می نویسد: "... شورا طرح خود مختاری کردستان را تصویب نمود. طرح اصلی قاسم بیشتر تجزیه بود ولی من مقاومت کردم، تهدید به استعفا کردم و چون هنوز با عراق کاملاً نساخته بودند و نمی توانستند از من جدا شوند، تسلیم شدند. " این همان داستان کهنه ای است که هنوز هم از سوی آقای بنی صدر و امثال او تکرار می گردد! آقای بنی صدر خود را ایرانی تر از دکتر قاسم و دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران بشمار می آورد و این عقیده در مغزش جا گرفته که حزب دمکرات خیال تجزیه کردستان را در سری پروپاگاندا و اورسالت تاریخی بعهده دارد که از این فاجعه جلوگیری نماید. اما اولاً اگر حزب دمکرات قصد جدائی داشت بدون هیچ واژه ای آن را اعلام می کرد چرا که به تعیین حق سرنوشت خلقها اعتقاد دارد. همچنانکه برخی از سازمانهای کرد در کردستان عراق و ترکیه، علناً خواست جدائی و استقلال کردستان را مطرح می نمایند. حزب دمکرات از آغاز فعالیت خود تاکنون، همیشه خواهان خود مختاری در چهارچوب کشور ایران بوده و هیچگاه خواستهایش از حدود مرزهای ایران تجاوز نکرده است. اصولاً در حال حاضر در کردستان ایران هیچ نیروی سیاسی کم خواستار جدائی از ایران باشد وجود ندارد. علاوه بر این همه این مسائل را دبیرکل حزب ما بموقع خود، در دوران عضویت حزب در شورای ملی مقاومت بمتفصیل برای آقای بنی صدر توضیح داده است. در

بقیه در صفحه ۱۸

بقیه: سخنی چند ...

این صورت هدف از طرح مساله بیه شیوه‌ای اینگونه نادرست از سوی آقای بنی صدر پس از چند سال چیست؟ آیا واقعا "هنوز هم او عقیده دارد که حزب دمکرات تجربه طلب است؟ اگر چنین نظری داشته باشد جای تأسف و ناشر بسیار است. ناگفته نماند که طرح مصوب شورای ملی مقاومت درباره خود مختاری که آقای بنی صدر نیز آن را امضاء نموده است، هیچ تفاوت اساسی با طرح پیشنهادی حزب دمکرات ندارد. حزب ما هنوز هم طرح شورا را قبول دارد و آن را اساس مناسبی برای تحقق خود مختاری در کردستان می داند. ما امیدواریم آقای بنی صدر نیز همین نظر را داشته باشد. بیش از ده سال از انقلاب ایران می گذرد. این ده سال می بایست برای اندیشیدن در مورد علل شکست انقلاب و انتخاب درست راه آیندگانی باشد. کتاب آقای بنی صدر نشان می دهد که او هنوز هم از تحلیل واقع بینانه حوادث فاصله بسیار دارد. آقای بنی صدر در کتاب خود اهمیت بسزایی برای دمکراسی و اراده مردم قایل است، این البته از نقاط مثبت کتاب بشمار می رود. لیکن دمکرات بودن، در ضمن احترام قایل شدن برای نظرات، خواستها و برداشتهای دیگران است. دمکرات بودن همچنین پرهیز از وارد کردن اتهامات بی پایه و بهره گرفتن از افترا و برجسپ زدن، و در مقابل طرح مسائل و اظهار نظر بیطرفانه درباره آنهاست. آقای بنی صدر که در کتاب خود بارها استالینیستها را

بقیه: گلچینی از ...

از میزان درست آن اطلاعی بدست نیامده است. ۱۳۶۸/۲/۱۸ پیشمرگان در مسیر جاده بوکان - شاهیندژ به کمین افراد دشمن نشستند. ساعت ۸ بعد از ظهر یک ماشین تویوتا با ۳ نفر سرنشین به کمین افتاد. با کشیدن آتش بر ماشین ۲ نفر از سرنشینان آن کشته و سومی موفق به فرار شد. از کشته‌ها یکی بنام حاجی نویدی فرمانده گردان ضربت "یک شوه" شناسایی گردید. غنیمت پیشمرگان یک تفنگ کلاشنیکوف بود.

## نیروی آریابا

۱۳۶۸/۳/۱۸

پیشمرگان نیروی آریابا ساعت ۶ بعد از ظهر در حوالی آبادی "سالوک" در ناحیه "حهوته وانه" بانه با نیروهای دشمن درگیر شدند. افراد

محکوم می کند، چگونه است که از یکی از شیوه‌های معروف اینان که برجسپ زدن بدون استدلال و بدون ارائه مدرک است، پرهیز نمی کنند؟ تنها به قاضی رفتن و فقط دیگران را متهم ساختن و با گذشته خود انتقادی برخورد نکردن و خود را فرشته قلمداد نمودن، نه از اصول دمکراسی، بشمار می رود و نه دردی از مشکلات کشور ما را می توانند درمان کند. آن هم در حالیکه میهن ما بیش از هر زمان دیگری نیاز به برخورد انتقادی نسبت به گذشته، بمنظور اندیشیدن و چاره جویی درباره آینده دارد.

دشمن در یک زد و خورد کوتاه در هم کوبیده شده و روبه فرار نهادند. همزمان دسته‌های دیگر از پیشمرگان پایگاه مستقر در آبادی را مورد حمله قرار دادند. در این عملیات تعداد نامعلومی از افراد دشمن کشته و زخمی شدند و خساراتی نیز بر پایگاه وارد آمد.

## نیروهای

## گیارنگ و زمزیران

۱۳۶۸/۲/۲۷

گروهی از پیشمرگان نیروهای گیارنگ و زمزیران در نزدیکی آبادیهای "نارست" و "بنوخلف" در ناحیه "بلفت" سردشت با نیروهای رژیم درگیر شدند. نیروهای رژیم اثر ضربات پیشمرگان در هم شکسته و ناچار به فرار شدند. در این عملیات ۴ نفر از افراد دشمن کشته و عددهای دیگر زخمی شدند.

## نیروهای

## آریابا و شهید پیشوا

۱۳۶۸/۳/۵

نیروهای رژیم در ارتفاعات "میدانان" در محلی بنام "گوماوان" پیشمرگان حزب از نیروهای پیشوا و آریابا را مورد یورش قرار دادند. درگیری از ساعت یک بعد از ظهر تا غروب آفتاب ادامه پیدا کرد. شمار زیادی از افراد دشمن کشته شدند. جسد ۲ تن از آنان بنامهای کریم صدی فر ستوان دوم ژاندارمری و علی زینسی سرباز اهل تبریز شناسایی شد. یک قبضه تفنگ کلاشنیکوف و یک دستگاه بیسیم بی آرسی ۷۷، یک نارنجک دستوری یک کیسه خواب بغنیمت گرفته شد.